

عنوان مقاله:

غربت اندیشی صوفیانه و بازتاب آن در شعر فارسی

محل انتشار:

دو فصلنامه پژوهشهای ادب عرفانی (گوهر گویا)، دوره 7، شماره 2 (سال: 1392)

تعداد صفحات اصل مقاله: 36

نویسنده:

سعید زهره وند - دانشگاه لرستان، استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان

خلاصه مقاله:

مفهوم غربت با اندیشه، احساس و رفتار آدمی درآمیخته است و در بسیاری از حوزه های فکری چون فلسفه، عرفان، انسان شناسی، روان شناسی، ادبیات و مانند آن مجال بروز یافته است. در تصوف و عرفان اسلامی نیز غربت، حضوری قابل اعتنا دارد و صاحب ابعاد معنایی و تفسیرهای گوناگون است. در این مقاله پس از مقدمه ای کوتاه درباره مفاهیم چندگانه غربت (سنتی، مدرن و پسامدرن) و نگاهی کوتاه به مقوله غربت در فلسفه، علوم اجتماعی و روان شناسی، به بحث اصلی درباره غربت اندیشی صوفیانه تحت عناوینی چون «غربت روح در قالب»، «غربت انسان در دنیا»، «غربت عارف در میان اهل ظاهر» و «غربت در میان غیر اهل وطن» پرداخته می شود و با تمرکز بر اندیشه های مدون ابن عربی و برخی از بزرگان صوفیه و با استناد به پاره ای شواهد شعری، موارد ذیل تبیین می شود: ۱- غربت مفهومی است آزموده انسان. ۲- بیشتر عارفان به دلیل تامل در ویژگی های روحی و روانی آدمی از چنین احساسی آگاهی داشته اند و برای آن ادله و تفاسیر گوناگونی ذکر کرده اند. ۳- غربت با مفاهیمی بنیادی چون فنا و سیر و سلوک، شهرت گریزی و گمنامی و مانند آن پیوستگی دارد. ۴- غربت صوفیانه با مفهوم سفر ارتباط دارد. ۵- غربت و غربت اندیشی رنگ و بویی ملامتی دارد و از اصول ملامتیان است.

کلمات کلیدی:

غربت، عرفان، سفر، انسان، وطن، ازخودبیگانگی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1209404>

